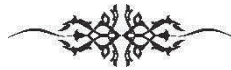


پژوهش نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال پنجم ♦ شماره ۲۰ ♦ زمستان ۱۳۹۴  
صفحات: ۷۰-۵۱ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۱ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲



## سیر تاریخ اندیشه سلفی کبری در شبه قاره هند از قرن دوازده تا سیزده هجری

علی ملاموسی میبیدی\*

### چکیده

هرچند شواهد تاریخی نشان می‌دهد برخی از شاگردان ابن تیمیه از قرن هشتم هجری وارد هندوستان شدند، اما نتوانستند اندیشه سلفیه را در آن دیار نهادینه کنند. این اندیشه در دوره شاهولی‌الله دهلوی به نهضتی فکری در هندوستان تبدیل شد. دهلوی با سفری که به حجاز داشت و از طریق ارتباط گرفتن با برخی از شخصیت‌های سلفی آنجا با اندیشه ابن تیمیه حرانی آشنا شد و آرا و اندیشه‌های او را به هند برد. در مدرسه شاهولی‌الله دهلوی از تفکرات ابن تیمیه بهره بردند و بعد از او هم مدرسه فکری شاهولی‌الله دهلوی را فرزندان و شاگردانش با این منهج اداره کردند تا اینکه در قرن سیزدهم هجری این اندیشه تا جایی رشد کرد که تقلید از ائمه اربعه را کنار گذاشتند و عملاً خود را غیرمقلد و سلفی معرفی کردند. از طرف دیگر در این قرن شاهدیم که جریان سلفی زیدی از طریق صدیق حسن خان وارد شبه قاره شد و به گسترش آن در شبه قاره هند انجامید.

**کلیدواژه‌ها:** سلفی‌گری، شبه قاره هند، شاهولی‌الله دهلوی، اهل حدیث، وهابیت.

\* پژوهشگر مؤسسه تحقیقاتی دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم السلام) و دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه تهران.

Meybodi60@chmail.ir

## مقدمه

تفکر بازگشت به قرآن و حدیث و تفسیر آن بر اساس فهم سلف منهجی است که ابن تیمیه حرّانی آن را در قرن هشتم هجری پایه‌ریزی می‌کند. او بر این اساس، با فلسفه و کلام و برخی اعمال صوفیانه مخالفت کرد و معتقد بود فهم علمای خلف هیچ جایگاهی در اسلام ندارد و در مسائل اعتقادی، فقهی و اخلاقی باید به قرآن و حدیث مراجعه کرد و بر اساس فهم سلف استنباط کرد. این روش دینی بعد از ابن تیمیه، به جز در میان شاگردانش، به دلیل مقابله علمای قرن هشتم طرفداران چندانی پیدا نکرد تا اینکه در قرن دوازدهم عده‌ای از آن استقبال کردند. ابن‌الامیر صنعانی در یمن و محمد بن عبدالوهاب در نجد و شاه‌ولی‌الله دهلوی در دهلی، هر کدام با تفسیری از آرای ابن تیمیه، گونه‌ای از اندیشه را در مناطق خود گسترش دادند. در این مقاله گونه‌های هندی سلفی‌گری و نحوه ارتباط‌گیری آن با گونه‌های دیگر سلفی‌گری، همچون وهابی‌گری و سلفیه زیدی در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری را، که دوران پیدایش و رشد این جریان فکری بوده است، بررسی می‌کنیم و به تمایزات فکری آنان از یکدیگر اشاراتی خواهیم داشت.

## ورود اندیشه سلفی‌گری به شبه‌قاره

محققان معتقدند ورود ابن تیمیه به قرن هشتم هجری و عصر حکومت محمد تغلق (۷۲۵-۷۵۲ ه.ق.) برمی‌گردد. در این دوران برخی از شاگردان ابن تیمیه حرّانی، از جمله شیخ عبدالعزیز اردبیلی<sup>۱</sup> و شیخ علیم‌الدین، وارد هندوستان شدند. بنا به نقلی، شیخ علیم‌الدین محمد، تغلق را به ازاله بدع و منکرات ترغیب می‌کرد. دیگر متفکر متأثر از اندیشه ابن تیمیه شخصی به نام شمس‌الدین ابن‌الحربری از قضات حنفی‌مذهب مصر بود که به سبب تأیید تفکرات ابن تیمیه از قضاوت عزل شد و در سال ۷۰۸ ه.ق.، در عهد سلطنت علاء‌الدین خلجی، به همراه چهارصد کتاب حدیثی به هندوستان رفت.<sup>۲</sup>

۱. ندوی، مسعود، تاریخ الدعوة الإسلامية فی الهند، ص ۲۸.

۲. مقبول احمد، صلاح‌الدین، شیخ الاسلام ابن تیمیه و أثرها علی الحركات الإسلامية المعاصرة، ص ۲۴ و ۲۵.

در قرن دوازدهم هجری شخصی به نام شاه‌ولی‌الله دهلوی برای تحصیل علم حدیث نبوی، عازم حرمین شریفین شد. او در آنجا با آثار ابن تیمیه و ابن قیم به واسطه شیخ ابراهیم سلفی آشنا شد و از اندیشه ابن تیمیه تأثیر فراوان پذیرفت. تأثیرپذیری دهلوی از ابن تیمیه به حدی شد که رساله‌ای در دفاع از ابن تیمیه نوشت. این رساله در کتاب الجامع لسیره شیخ الاسلام ابن تیمیه آمده و آلوسی در کتاب جلاء العینین فی محاکمة الأحمدين از آن نقل کرده است. دهلوی در این رساله می‌گوید: «من در حال ابن تیمیه تحقیق کردم، او را عالم به کتاب‌الله و معانی لغوی و شرعی و حافظ سنت رسول‌الله یافتم ... اموری که علما بر او خرده گرفته‌اند همگی نزد او با دلیل از کتاب و سنت و آثار سلف ثابت شده است، پس مثل چنین شیخی در عالم نادر است»<sup>۱</sup>. وی بعد از بازگشت به دهلی، مدرسه رحیمیه را با هدف اهتمام به علوم حدیث و گسترش تفکر ابن تیمیه تأسیس کرد. از معروف‌ترین دانش‌آموختگان این مدرسه فرزند او عبدالعزیز دهلوی است.<sup>۲</sup>

به عقیده دهلوی، سلف احکام الهی را با رجوع به کتاب و سنت به دست می‌آوردند و این شیوه تا عصر اموی ادامه داشت. در دوره عباسی هر طایفه‌ای از فقه مذهب خود پیروی می‌کرد، در جایی هم که نصی از امام مذهب نرسیده بود از کتاب و سنت استنباط می‌کردند. اما با گسترش دولت اسلامی و انتشار اسلام در نقاط دوردست جهان، هر مسلمانی بر مذهب فقهی امام خود تکیه کرد و آنچه مستنبط از کتاب و سنت بود به سنت لایتغیر تبدیل شد و به صورت اصلی درآمد که مسائل فرعی از آن حکم مستنبط تفریع می‌شد.<sup>۳</sup> بر همین اساس، دهلوی با لحنی تند مقلدان ابوحنیفه، مالک، احمد حنبل و شافعی را خطاب قرار می‌دهد و به آنان گوشزد می‌کند که اجماع صحابه، تابعین و تابعین تابعین همگی بر منع تبعیت از قول غیر است. به همین دلیل اگر کسی از این ائمه اربعه

۱. شمس، محمد عزیز؛ عمران، علی بن محمد، الجامع لسیره شیخ الاسلام ابن تیمیه، ص ۶۴۱؛ آلوسی، نعمان بن محمود،

جلاء العینین فی محاکمة الأحمدين، ص ۶۰.

۲. مصری، جمیل عبدالله محمد، حاضر العالم الاسلامی و قضایاه المعاصرة، ج ۲، ص ۴۲۳.

۳. ندوی، مسعود، تاریخ الدعوة الاسلامیة فی الهند، ص ۱۴۳-۱۴۵.

تبعیت کند و توجهی به قرآن و سنت نداشته باشد به یقین با اجماع امت مخالفت کرده است. به علاوه، خود ائمه اربعه تقلید از خودشان و تقلید از دیگران را نهی می‌کردند و معتقد بودند اگر بنا به تقلید باشد تقلید از صحابه و تابعین در اولویت است.<sup>۱</sup> به عقیده دهلوی، علاج کار در تلفیق مذاهب و رجوع به سیره سلف است، بدین صورت که برای یافتن و فهمیدن احکام شرعی باید سنت نبوی را اصل، و فهم فقهای مذهب را فرع قرار داد. بر این اساس، باید فقه حنفی و شافعی، که بیشترین مقلدان را دارند، به حدیث نبوی عرضه شوند. هر یک از احکام که اصل روایی دارند ثابت شوند و سایر احکامی که اصل روایی ندارند از درجه اعتبار ساقط گردند.<sup>۲</sup> دهلوی در مسائلی که اصلاً نصی از جانب شارع نرسیده بود خود تابع مذهب حنفی ماند،<sup>۳</sup> ولی برای مردم عادی مذهبی را پیشنهاد نکرد، بلکه به نظر او باید آنان از شخص عالمی تقلید می‌کردند. چون در صورت تقلید از عالم و بروز خطای احتمالی عالم، شخص جاهل معذور است، اما اگر به این شیوه عمل نکند در روز جزا معذور نخواهد بود.<sup>۴</sup>

دهلوی مشکل را صرفاً در احکام فرعی نمی‌دید بلکه به عقیده او باید در علم کلام و تصوف بازنگری جدی صورت می‌گرفت. زیرا آمیخته شدن عقاید اسلامی با براهین یونانی و اشتغال قلوب مسلمانان به اعمال صوفیانه منجر به دوری آنها از سیره سلف، یعنی رجوع به کتاب و سنت، شده بود.<sup>۵</sup>

تأثیرپذیری دهلوی از ابن تیمیه فقط در مسائل اجتهادی نبود، بلکه او در مسئله توحید و شرک هم از وی متأثر شده بود. او با توسعه معنای عبادت هر گونه ندادادن به غیر خداوند برای برآورده شدن حاجات را مصداق عبادت و به حکم آیه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ

۱. دهلوی، احمد بن عبدالرحیم، عقد الجید فی أحكام الاجتهاد والتقلید، ص ۱۴-۱۵.

۲. همو، التفهیمات الالهیه، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۳. قنوجی بخاری، صدیق حسن خان، هداية السائل إلى أدلة المسائل، ص ۱۲۰.

۴. دهلوی، احمد بن عبدالرحیم، عقد الجید فی أحكام الاجتهاد والتقلید، ص ۳۰.

۵. همو، التفهیمات الالهیه، ج ۱، ص ۸۲-۸۳.

فُسَّعِينَ» کفر محض می دانست.<sup>۲</sup> او سماع موتی را برای صوفیان، اولیای الهی و حتی برای انبیا ثابت نمی دانست<sup>۳</sup> و با استناد به روایت بخاری درباره توسل عمر به عباس، عمومی پیامبر ﷺ،<sup>۴</sup> توسل به ممات را نمی پذیرفت و آن را مختص به حال حیات می دانست<sup>۵</sup> و مردم دوران خود را به این دلیل که از مردگان طلب حاجت می کردند نکوهش می کرد و با کفرآمیز خواندن این کار احتراز از این گونه اعمال را واجب می دانست.<sup>۶</sup>

دهلوی در باب «شدّ رجال» و سفر برای زیارت معتقد است مشرکان به مواضع متبرکه عزم سفر می کردند و به محض رسیدن به مقصد به بت‌های خود تقرب می جستند، لذا حضرت رسول اکرم ﷺ برای اینکه این رسم جاهلی رواج پیدا نکند و جلوی انحراف را بگیرد سفر به مواضع متبرکه، به غیر از مساجد ثلاثه به قصد تبرک، را منع کردند و فرمودند: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ»؛ «بار سفر بسته نمی شود مگر به سوی سه مسجد [مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد الاقصی]».<sup>۷</sup> به عقیده دهلوی، زیارت قبر و محل عبادت اولیای الهی و رفتن به کوه طور همگی مشمول روایت ناهیه نبوی می شود.<sup>۸</sup> دهلوی حتی به نهی هم بسنده نمی کرد بلکه آن را از گناهان بزرگ می شمرد، اما از آنجا که نصی از جانب شارع در این خصوص وارد نشده انجام دهندگان این اعمال را تکفیر نمی کرد.<sup>۹</sup> به عقیده دهلوی، ساخت مسجد بر قبور مسلمانان جایز نیست و چنین

۱. سوره فاتحه (۱): آیه ۵.

۲. دهلوی، احمد بن عبدالرحیم، تحفة الموحّدين، ص ۱۱.

۳. همان، ص ۲۲-۲۳.

۴. «اللّهم إنا نتوسلُ بنبیّنا فتسقینا، و إنا نتوسلُ إلیک بعمّ نبیّنا فاسقنا»؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۷، ح ۱۰۱۰.

۵. دهلوی، احمد بن عبدالرحیم، البلاغ المبین، ص ۱۶.

۶. همو، الخیر الكثير، ص ۱۰۵.

۷. همو، مصفی شرح موطأ، ص ۸۸؛ همو، حجّة الله البالغة، ج ۱، ص ۱۲۲.

۸. همو، حجّة الله البالغة، ج ۱، ص ۳۲۵.

۹. همو، التفهیمات الالهیة، ج ۲، ص ۴۵.

مسجدی را باید منهدم، و زمینش را هموار کرد. همچنین، تخریب قبه‌هایی که بر روی قبور بنا می‌شود واجب است. زیرا اساس این بناها بر عصیان از پیامبر ﷺ است و تخریب چیزی که بنای آن بر معصیت و مخالفت با رسول الله باشد از هدم مسجد ضرار مهم‌تر است. از این رو، پیامبر اکرم ﷺ به دلیل وجوب هدم چنین بناهایی بنای بر قبور را منع کرده و کسی را که بر قبوری مسجدی بنا کند لعنت کرده است.<sup>۱</sup>

دهلوی در ردّ اندیشه شیعه کتابی به نام قرّة العینین می‌نویسد و در این کتاب همانند ابن تیمیه در منهج السنّه، از حضرت علی عليه السلام سلب فضایل می‌کند و در این زمینه به حدی افراط کرده است که وقتی از ابراهیم السقا، شیخ الجماعه در مصر، درباره این رویکرد دهلوی می‌پرسند او در جواب تندی، دهلوی را به سبب اینکه خلافت را از امام علی عليه السلام نفی می‌کند از اهل سنت خارج می‌داند و به اهل بدعت ملحق می‌کند. در این باره علامه عبدالحلیم لکنوی، پدر عبدالحی لکنوی، و برخی دیگر از ائمه حدیث در هند که معاصر دهلوی بودند در رد او کتاب‌هایی نوشتند.<sup>۲</sup> با بررسی دیدگاه‌های دهلوی می‌توان دریافت که او از ابن تیمیه تأثیرات فراوانی داشته است، و این تا به حدی است که می‌توان شاه ولی الله دهلوی را مروج تفکر ابن تیمیه در شبه‌قاره هند دانست.

### مدرسه فکری شاه ولی الله دهلوی

عبدالعزیز، فرزند ولی الله دهلوی، بزرگ‌ترین میراث‌دار مکتب فکری پدر بود،<sup>۳</sup> اما برخلاف پدر به تقلید از مذهب حنفی تمایل داشت و روش پدر را در زمینه اجتهاد قبول نداشت. بیشتر طرفداران مکتب فکری شاه ولی الله دهلوی از شاه عبدالعزیز تبعیت می‌کردند و مقلد مذهب حنفی بودند و با شعار مبارزه با بدعت و خرافات افکار ابن تیمیه را

۱. همو، البلاغ المبین، ص ۱۸.

۲. غماری، احمد بن محمد بن صدیق، علی بن ابی طالب امام العارفین، ص ۹۰.

۳. کامنیز، دیوید، وهابیت و عربستان سعودی، ص ۲۲۷-۲۲۸.

ترویج می‌کردند.<sup>۱</sup> در کنار اکثریت متمایل به تقلید از مذهب حنفی، برخی دیگر همچون اسماعیل دهلوی، نوه شاه‌ولی‌الله دهلوی دوری از تقلید از مذهب حنفی و گرایش به حدیث را برای خود برگزیدند. او در زمان حیاتش آنچه از جدش و عموهایش آموخته بود با تألیفات خود تطبیق داد و صفوف اهل حدیث را با اعتصام به کتاب و سنت در هندوستان تمییز بخشید. این حرکت باعث شد این جریان از تصوّف خالی شود.<sup>۲</sup> او از طریق جدش که با تفکرات ابن تیمیه آشنا شده بود در آثارش همچون تقویة الایمان، رد الاشراک، و تنویر العینین از این عقاید دفاع می‌کند.<sup>۳</sup> نگارش کتاب تقویة الایمان با مقابله جدی از سوی علمای اهل سنت منطقه مواجه شد، و آثاری چون تزکیة الایقان، رد تقویة الایمان، إزالة الشکوک والأوهام فی الرد علی تقویة الایمان و تحقیق الحقیقة از جمله آثاری است که بر ردّ کتاب تقویة الایمان و اندیشه اسماعیل دهلوی نگاشته شد. برخی معتقدند کتاب تقویة الایمان اسماعیل دهلوی شرحی بر کتاب التوحید محمّد بن عبدالوّهّاب بوده و اسماعیل دهلوی با نگاشتن این کتاب بر طریقه نجدیه قرار گرفته و وهابی شده است.<sup>۴</sup> ابوالحسن ندوی که خود کتاب تقویة الایمان را به عربی ترجمه کرده اذعان می‌کند که اگر شخصی رسالۃ التوحید محمّد بن عبدالوّهّاب و کتاب تقویة الایمان اسماعیل دهلوی را مطالعه کند در دعوت هر دو موافقاتی را می‌یابد.<sup>۵</sup> بعد از اعلان دارالحرب بودن هندوستان از سوی عبدالعزیز، اسماعیل دهلوی و بسیاری از خاندان عبدالعزیز با احمد عرفان

۱. ندوی، مسعود، تاریخ الدعوة الإسلامية فی الهند، ص ۱۹۰؛ مقبول احمد، صلاح الدین، دعوة شیخ الاسلام ابن تیمیة و أثرها علی الحركات الإسلامية المعاصرة و موقف الخصوم منها، ص ۵۸۵.
۲. مقبول احمد، صلاح الدین؛ محمّدی، عارف جاوید، أهل الحديث فی شبه القارة الهندیة، ص ۳۱.
۳. مقبول احمد، صلاح الدین، شیخ الاسلام ابن تیمیه و أثرها علی الحركات الإسلامية المعاصرة و موقف الخصوم منها، ص ۳۳.
۴. حسنی، عبد الحی، الثقافة الإسلامية فی الهند، ص ۲۴۶-۲۴۷.
۵. ندوی، ابو الحسن، اذا هبت ریح الایمان، ص ۱۸.

بریلوی برای جهاد با بریتانیا بیعت می‌کنند،<sup>۱</sup> تا بتوانند خلافتی بر منهج نبوت در هندوستان ایجاد کنند.<sup>۲</sup>

برخی معتقدند احمد عرفان از سنت شاه‌ولی‌الله فاصله گرفت و درباره اصل توحید دیدگاهی تنگ‌نظرانه‌تر اتخاذ کرد که به باور پژوهشگران بریتانیایی این نگرش، حاصل تأثیرپذیری او از وهابیان در سفری زیارتی است که به سال ۱۸۲۱ به مکه داشت.<sup>۳</sup> تحلیلگران معتقدند در هنگام ورود، جماعت احمد عرفان با برخی علما و اتباع دعوت سلفی مواجه می‌شود و دعوت سلفی بر او عرضه می‌گردد و وی آن را می‌پذیرد.<sup>۴</sup> برخی همچون لوترپ استارد،<sup>۵</sup> مستشرق آمریکایی، و محمود عقاد معتقدند احمد عرفان دعوت وهابیت را پذیرفته و در شمال شبه‌قاره هند حکومت وهابی تشکیل داده است.<sup>۶</sup> احمد عرفان پس از بازگشت از حرمین مردم را به سوی دین خالص و جهاد در راه خدا دعوت کرد و جماعتی را در مناطق شمالی هند مرکزی برای دعوت خود تدارک دید تا بدین طریق بتواند به هند برود و انگلیسی‌ها را از آنجا بیرون کند و بر مبنای کتاب و سنت دولت اسلامی تشکیل دهد. مجاهدان توانستند در چند جنگ ابتدایی بر سیک‌ها غلبه کنند و دولتی اسلامی در مرزهای شمال غربی، که شامل پیشاور و شهرها و روستاهای اطراف می‌شد، تأسیس کنند. آنان در این دولت حدود شرعی را اجرا می‌کردند و نوعی نظام اداری-مالی بر مبنای نظام اسلامی برقرار کردند.<sup>۷</sup> احمد عرفان در پیشاور با بسیاری از چیزهایی که خود شرک می‌خواند مقابله کرد. همین باعث شد طریقه‌اش را به طریقه

۱. همان، ص ۱۵.

۲. مقبول احمد، صلاح الدین؛ محمدی، عارف جاوید، أهل الحدیث فی شبه القارة الهندیة، ص ۳۱.

۳. کامنیز، دیوید، وهابیت و عربستان سعودی، ص ۲۲۸.

۴. سمان، محمد بن عبدالله، دعوة محمد بن عبد الوهاب و أثرها فی العالم الإسلامی، ص ۷۸.

5. Lothrop Stoddard

۶. استارد، لوترپ، حاضر العالم الإسلامی، ص ۲۶۳؛ عقاد، محمود، الإسلام فی القرن العشرين، ص ۴۷.

۷. ندوی، ابو الحسن، اذا هبت ریح الایمان، ص ۷-۸.



محمد بن عبدالوهاب نجدی نسبت دهند و آنان را وهابی بخوانند.<sup>۱</sup> به همین دلیل بود که برخی همچون محمدحسین الله‌آبادی، که در جمیع افکار و رفتار از احمد عرفان تبعیت می‌کرد، لقب وهابی گرفت.<sup>۲</sup> در این بین برخی احناف همچون فضل رسول بدایونی قادری، آرا و افکار احمد عرفان را برخلاف اندیشه اهل سنت و جماعت دیدند. وی در ردّ افکار او و پیروانش کتابی به نام سیف الجبار تألیف کرد.<sup>۳</sup>

تشکیلات حکومتی احمد عرفان دیری نپایید تا اینکه در جنگی که در وادی بالاکوت<sup>۴</sup> با سیک‌ها داشتند احمد عرفان به همراه محمد اسماعیل دهلوی و برخی دیگر از مجاهدان، در ۲۴ ذی‌القعدة ۱۲۴۶ ه.ق. / ۱۸۳۱ م کشته شد و باقی‌مانده یارانش در کوه‌ها متواری شدند.<sup>۵</sup>

### اهل حدیث شبه‌قاره هند

در نسل دوم از مدرسه شاه‌ولی‌الله دهلوی، شیخ محمد اسحاق دهلوی، نوه دختری عبدالعزیز دهلوی، که با او ملازمت و مصاحب فراوان داشت، بعد از عبدالعزیز دهلوی کرسی درس حدیث را بر عهده گرفت و خلق کثیری از مردم هند از علوم او منتفع شدند تا جایی که در زمان او ریاست حدیث در هند به او منتهی شد.<sup>۶</sup>

نذیر حسین دهلوی از ملازمان درس محمد اسحاق دهلوی بود. او در سال ۱۲۴۹ ه.ق. نزد شاه‌محمد اسحاق تلمذ کرد و سالیانی ملازم استاد بود تا اینکه در علم حدیث و تفسیر و فقه و فتوا فارغ‌التحصیل شد و سپس به او اجازه عامّه داد. با سفر محمد اسحاق در سال ۱۲۵۸ ه.ق. به مکه مکرمه، نذیر حسین دهلوی بر مسند تدریس استاد نشست.

۱. همان، ص ۱۸.

۲. حسنی طالبی، عبد الحی، الإعلام بمن فی تاریخ الهند من الأعلام، ج ۸، ص ۱۳۵۸.

۳. همو، الثقافة الإسلامية فی الهند، ص ۲۴۶.

4. Balakot

۵. ندوی، ابو الحسن، اذا هبت ریح الایمان، ص ۱۸.

۶. حسنی، عبد الحی، الثقافة الإسلامية فی الهند، ص ۱۳۹.

او ابتدا در تمامی علوم کرسی درس داشت تا اینکه به تفسیر و حدیث بسنده کرد و حدود ۶۰ سال به کار تدریس مشغول بود.<sup>۱</sup> نذیر حسین به فقه حنفی بسیار علاقه داشت تا اینکه بر او حبّ قرآن و حدیث غالب شد و از اشتغال به علوم دیگر غیر از قرآن و حدیث، به جز فقه، دوری گزید. رویکرد او به گونه‌ای شد که مردم زمانه اندیشه‌های او را خارج از اهل سنت و جماعت برشمردند و معتقد شدند که او در صدد خروج بر حاکم بر خواهد آمد. همین مسئله باعث شد دولت انگلستان او را دست‌گیر، و بعد از حدود یک سال حبس آزادش کند.<sup>۲</sup> نذیر حسین کتابی به نام معیار الحق نگاشت و در آن مسلمانان را به کتاب و سنت دعوت کرد و از تقلید برحذر داشت.<sup>۳</sup> حسین بن محسن یمانی از سلفیان یمن، با بررسی اندیشه نذیر حسین، آرای اعتقادی او را موافق عقیده سلف صالح و موافق کتاب و سنت بیان کرده است.<sup>۴</sup> نذیر حسین شاگردان بسیاری تربیت کرد. این شاگردان در سراسر هند پراکنده شدند و مدارس علمیه تأسیس کردند و علم حدیث و مذهب اهل حدیث را در هندوستان و دیگر نقاط جهان گسترش دادند.<sup>۵</sup>

رویکرد اجتهادی در شبه‌قاره ادوار مختلفی را پشت سر گذاشت. شاه‌ولی‌الله دهلوی و به تبع او اسماعیل دهلوی و اکثر پیروان احمد عرفان، که رویکرد رجوع به کتاب و سنت را در پیش گرفته بودند، تقلید را برای فرد عامی جایز می‌دانستند اما برای شخص عالمی که تمکن رجوع به کتاب و سنت و به دست آوردن قولی برخلاف قول امام مذهب را داشته باشد جایز نمی‌دانستند، اما این رویکرد اجتهادی نذیر حسین دهلوی، و صدیق حسن خان قنوجی و شیخ فاخر بن یحیی‌الله‌آبادی و اتباعشان بر حرمت تقلید و وجوب اتباع بر صریح قرآن و سنت و ابطال حجّیت قیاس و اجماع پیگیری شد. در این بین، گروه سومی هم

۱. آل‌الشیخ، عبد‌الرحمن بن عبد‌اللطیف، مشاهیر علماء نجد، ص ۴۵۸-۴۵۹.

۲. حسنی، عبد‌الحی، الإعلام بمن فی تاریخ الهند من الأعلام، ج ۸، ص ۱۳۹۲.

۳. آل‌الشیخ، عبد‌الرحمن بن عبد‌اللطیف، مشاهیر علماء نجد، ص ۴۵۹.

۴. حسنی طالبی، عبد‌الحی، الإعلام بمن فی تاریخ الهند من الأعلام، ج ۸، ص ۱۳۹۲.

۵. آل‌الشیخ، عبد‌الرحمن بن عبد‌اللطیف، مشاهیر علماء نجد، ص ۴۶۱.

بودند که جانب افراط را در پیش گرفتند و در حرمت تقلید مبالغه کردند و جماعت مقلد را اهل بدعت معرفی کردند. این وضعیت به حدی پیش رفت که ائمه مذاهب از جمله ابوحنیفه را بدگویی می کردند. شیخ عبدالحق بن فضل الله بنارس از شاگردان اسماعیل دهلوی و شیخ عبدالله صدیقی اله آبادی از شاگردان محمد اسحاق دهلوی و اتباعشان در زمره جماعت سوم از غیرمقلدان به شمار می رفتند.<sup>۱</sup>

### اهل حدیث یمن در شبه قاره هند

یکی دیگر از جریان های سلفی که وارد شبه قاره شده بود، جریانی سلفی یمنی بود که در قرن سیزدهم هجری صدیق حسن خان قنوجی وارد شبه قاره کرد. او در سال ۱۲۷۶ ه.ق. به حج مشرف شد، اما در بین راه از وقوف کشتی در یمن استفاده کامل را برد. در مدت اقامتش در یمن تعدادی کتاب از جمله کتاب اقتضاء الصراط المستقیم ابن تیمیه را خریداری کرد و بعد از ادای مناسک عمره، اول کاری که در مکه مکرمه کرد نسخه برداری از کتاب السياسة الشرعية ابن تیمیه حرانی بود.<sup>۲</sup> او در آثار خود هر جا مناسبتی برای ذکر ابن تیمیه می یافت از او و افکار و دعوتش یاد می کرد.<sup>۳</sup>

صدیق حسن خان بعد از آنکه به بوپال رفت، نزد شیخ قاضی حسین بن محسن سبعی و برادرش شیخ زین العابدین، که هر دو از شاگردان محمد بن ناصر حازمی شریف<sup>۴</sup> بودند، در علم حدیث و تفسیر بهره علمی برد<sup>۵</sup> و تأثیرپذیری اش از شوکانی به حدی شد که در آثارش همچون تفسیر فتح البیان و دیگر کتب، نقل های متعددی از شوکانی آورد. حتی

۱. حسنی، عبد الحی، الثقافة الإسلامية فی الهند، ص ۱۰۳-۱۰۴.

۲. مقبول احمد، صلاح الدین، شیخ الاسلام ابن تیمیه و أثرها على الحركات الإسلامية المعاصرة و موقف الخصوم منها، ص ۳۴.

۳. همان، ص ۳۵.

۴. وی نیز شاگرد شوکانی بوده است.

۵. قنوجی بخاری، صدیق حسن خان، التاج المکمل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، ص ۵۳۶؛ همو، أبجد العلوم، ص ۷۲۵.

گاه عین عبارات شوکانی را بیان کرده است.<sup>۱</sup> شاید به این دلیل باشد که برخی او را زیدی مذهب خوانده‌اند.<sup>۲</sup>

موقعیتی که صدیق حسن خان داشت به مراتب از موقعیت دیگر سلفیان آن دوران بهتر بود، او وقتی با ملکه بوپال هند به نام شاه‌جهان بیگم (۱۳۱۹ ه.ق.) ازدواج کرد، عملاً تدبیر امور حکومت را در سال ۱۲۸۸ ه.ق. به دست گرفت و این خود موقعیت مناسبی را برای نشر افکار و نظریاتش مهیا کرد. لذا صدیق حسن خان اقدام به نشر افکار و آرای ابن تیمیه، تأسیس مدارس علمیه، تأسیس مطبوعات و مساجد در داخل و خارج از کشور می‌کند<sup>۳</sup> و برخی کتب سلفیان همچون نیل الأوطار محمدعلی شوکانی، تفسیر حافظ ابن کثیر، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری اثر ابن حجر عسقلانی را منتشر می‌کند. همچنین تفسیر فتح البیان اثر خودش را هم منتشر می‌کند که نشر این کتب در چاپ‌خانه امیریه مصر، تأثیر ویژه‌ای در ترویج اندیشه سلفی‌گری در جهان اسلام داشت.<sup>۴</sup> او در دفاع از ابن تیمیه دست به انتشار دو کتاب الردّ الوافر علی من زعم ابن تیمیه کافر اثر ابن ناصرالدین دمشقی و کتاب جلاء العینین فی المحاکمة بین الأحمدين اثر نعمان بن محمّد آلوسی می‌زند.<sup>۵</sup> به‌علاوه با نگاشتن تألیفات فراوان، نشر کتب حدیثی، و نشر آثار علمایی که در تقویت اندیشه اهل حدیث بود کمک بسزایی به رشد این اندیشه کرد.<sup>۶</sup>

۱. مغراوی، محمّد بن عبد الرحمن، المفسرون بین التأویل والإیبات فی آیات الصفات، ص ۶۲۵.

۲. قنوجی بخاری، صدیق حسن خان، الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدى الساعة، ص ۸.

۳. مقبول احمد، صلاح الدين، شيخ الاسلام ابن تیمیه و أثرها على الحركات الإسلامية المعاصرة و موقف الخصوم منها، ص ۳۴.

۴. خولی، محمّد عبد العزيز، تاريخ فنون الحديث النبوی، ص ۲۹۴.

۵. مقبول احمد، صلاح الدين، شيخ الاسلام ابن تیمیه و أثرها على الحركات الإسلامية المعاصرة و موقف الخصوم منها، ص ۳۵.

۶. خولی، محمّد عبد العزيز، تاريخ فنون الحديث النبوی، ص ۲۹۴.

تلاش‌های صدیق حسن خان در نشر این آثار تأثیر خود را گذاشت و بیشتر بلاد اسلامی در طبع کتب حدیث و تفسیر کوشیدند و عالم اسلامی مملو از علوم سلفیه شد.<sup>۱</sup>

صدیق حسن خان در برخی مسائل بر منهج سلف عمل نکرد، از جمله تأویل صفات، قول به انکار حسن و قبح عقلی،<sup>۲</sup> و انکار قول به تکلیف به ما لا یطاق، بدون اینکه توجهی داشته باشد که علمای سلف در این مسئله قائل به تفصیل شده‌اند.<sup>۳</sup> او با اینکه در باب صفات خبری اکثر صفات خبری را بر مذهب سلف تفسیر کرده ولی برخی صفات همچون وجه، رحمت، غضب، حیا و دیگر صفات را تأویل می‌برد، اما در کتاب *قطف الثمر فی بیان عقیده اهل الأثر* تمام این صفات را بر وفق تفکر سلفیان اثبات می‌کند.<sup>۴</sup>

صدیق حسن خان تقلید از مذاهب اربعه را به سبب اینکه مجرد قیل و قال می‌دانسته رها نمود و بدین منظور کتب فروع و عقلی را از خانه‌اش خارج کرد و به جای آن از کتب روایی و شروح و حواشی گرد آورد.<sup>۵</sup> او علمای هندوستان را به دلیل اینکه در علوم فلسفه و فنون یونان غرق شدند و از اشتغال به کتاب و سنت اعراض کردند نکوهید. در بین علمای هندوستان نزدیک‌ترین گروه به سنت سید المرسلین ﷺ را مریدان سید احمد بریلوی می‌دید که تقلید از مذاهب اربعه را کنار گذاشتند.<sup>۶</sup>

صدیق حسن خان دو طیف از علمای زمانه خود را نکوهش کرد؛ دسته اول کسانی که مقلدان مذاهب اربعه را تکفیر کردند؛ دسته دوم برخی از علمای هند که در مکه زندگی می‌کردند و در مسئله تقلید فتوای سخت‌گیرانه‌ای داشتند و حکم به قتل غیرمقلدان و

۱. دمشق، محمد منیر، نموذج من الأعمال الخیرية فی إدارة الطباعة المنیریة، ص ۴۶۸.

۲. وی به حسن و قبح شرعی اعتماد کرد.

۳. خراشی، سلیمان بن صالح، الرسائل المتبادلة بین صدیق حسن خان و أحمد بن عیسی، ص ۲۴.

۴. مغراوی، محمد بن عبد الرحمن، المفسرون بین التأویل والإتیات فی آیات الصفات، ص ۶۲۵.

۵. قنوجی بخاری، صدیق حسن خان، التاج المکمل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، ص ۵۳۹.

۶. همان، ص ۵۴۲.

عاملان به کتاب و سنت دادند.<sup>۱</sup> به نظر صدیق حسن خان، کسی که آرای ائمه را بر کتاب و سنت مقدّم کند به خطا رفته ولی استحقاق تکفیر ندارد.<sup>۲</sup>

### اهل حدیث هندوستان و دعوت وهابیت

از میان اهل حدیث هندوستان، صدیق حسن خان تنها کسی است که اندیشه محمد بن عبدالوهاب و پیروانش را تحلیل کرده و در این زمینه کتابی به نام ترجمان وهابیت نگاشته است. صدیق حسن خان معتقد است در میان علما راجع به محمد بن عبدالوهاب سه نگرش وجود دارد: برخی او را در تمام گفتار و کردار مدح و ثنا کرده‌اند و در انتساب خود به او و طریقتش افتخار می‌کنند. برخی دیگر آن قدر به او سوءظن دارند که با تمام آنچه او اختیار کرده مقابله می‌کنند و او را اهل بدعت می‌خوانند و تکفیر می‌کنند، و برخی دیگر راه انصاف را در پیش گرفته‌اند، به طوری که آن مقدار از اقوال و اعمال او را که موافق کتاب و سنت باشد اخذ، و آنچه را مخالف باشد رد می‌کنند، که به نظر صدیق حسن خان این طریقه به صواب نزدیک‌تر است.<sup>۳</sup>

اعمال وهابیان در قرن سیزدهم و جنایات آنان در شبه‌جزیره عرب، انزجار جهان اسلام را از عملکرد آنان در پی داشته است. علمای مسلمان از فرق و جریان‌های مختلف با این دعوت مخالفت کردند، و وضعیت به گونه‌ای شد که برخی همچون صدیق حسن خان که نگرش حدیث‌گرایی داشت و با بسیاری از معتقدات محمد بن عبدالوهاب موافق بود برای دفع نسبت وهابیت، که در آن زمان رایج شده بود، کتابی در اواخر قرن سیزدهم به نام ترجمان وهابیت نگاشت.<sup>۴</sup> وی در این کتاب برائت جماعت اهل حدیث شبه‌قاره از شیخ محمد بن عبدالوهاب و دعوت و حرکت و منهج او را ابراز کرد. همچنین،

۱. همان، ص ۵۴۴.

۲. قنوجی بخاری، صدیق حسن خان، موائد العوائد من عیون الأخبار والفوائد، ص ۱۵۳.

۳. قنوجی بخاری، محمد صدیق حسن خان، أجدد العلوم، ص ۶۸۳.

۴. نعمانی، محمد منظور، دعايات مكثفة ضد الشيخ محمد بن عبد الوهاب، ص ۳۵.

عملش را تقيیح کرد و او را از مفسد فی الارض دانست.<sup>۱</sup> گرچه می‌گوید حرکت وهابیت با حرکت اهل حدیث در هندوستان در برخی معتقدات اشتراکاتی دارد اما در کتاب ترجمان وهابیت و دیگر آثار خود وجوه افتراقی را ذکر می‌کند که خود حدّ فکری بین اندیشه اهل حدیث و وهابیت به شمار می‌رود، که در ادامه آن را نقل می‌کنیم:

### تقیدداشتن به مذهبی خاص

صدیق حسن خان یکی از تفاوت‌های اندیشه وهابیت و جماعت اهل حدیث را تقلید از مذهب خاصّ فقهی می‌داند. او معتقد است محمّد بن عبدالوّهّاب مقلّد مذهب احمد بن حنبل بوده است که حدیث را در مدینه منوره طلب کرد و بعد به نجد برگشت و در آنجا به برخی اجتهادات ابن تیمیه و ابن قیم عمل کرد. لذا وی در خصوص کسانی که معتقد به تأثیر اموات در عالم دنیا بودند شدّت به خرج می‌داد، حال آنکه جماعت اهل حدیث از هیچ یک از مذاهب اربعه تقلید نمی‌کنند و برای به دست آوردن مسائل فقهی مستقیم به سراغ کتاب و سنت می‌روند و احکام را استنباط می‌کنند، و بر همین اساس فرق بین وهابیان و اهل حدیث هندوستان از زمین تا آسمان است.<sup>۲</sup>

### تکفیر نکردن

صدیق حسن خان یکی دیگر از اختلافات بین وهابیان و جماعت اهل حدیث را در رویکرد تکفیری وهابیان می‌داند. به نظر وی، جماعت اهل حدیث چنین رویکردی درباره مسلمانان ندارند. او از مشایخ خود، محمدناصر حازمی و محمدعلی شوکانی عباراتی را نقل می‌کند. معروف‌ترین منکری که وهابیان مرتکب شدند تکفیر مسلمانان بدون هیچ

۱. همان، ص ۱۰۳.

۲. قنوجی بخاری، صدیق حسن خان، ترجمان وهابیه، ص ۳۰؛ همو، التاج المکمل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، ص ۳۲۶.

دلیل و برهانی است.<sup>۱</sup> با اینکه وی در کتاب اتحاف النبلاء از معتقدات محمد بن عبد الوهاب دفاع می‌کند بر تکفیری بودن او صحّه می‌گذارد.<sup>۲</sup>

صدیق حسن خان از عبدالله بن عیسیٰ صنعانی در کتابش به نام السیف الیهندی فی إبانة طریقة الشیخ النجدی، که در سال ۱۲۱۸ ه.ق. نگاشته است، جریانی را نقل می‌کند که وقتی محمد بن عبد الوهاب روستاهای اطراف درعیه را به تصرف خود درآورد و افراد بسیاری تحت فرمان او شدند خطاب به آنان گفت: «هر کسی که غیر از خدای متعال را ندا دهد یا اینکه پیامبر، فرشته، یا عالمی را واسطه قرار دهد، چه بخواهد یا امتناع ورزد، به آن معتقد باشد یا نه، آن شخص مشرک می‌شود». لذا صدیق حسن خان بعد از نقل این جریان می‌گوید محمد بن عبد الوهاب با این عبارت، جمهور مسلمانان را تکفیر کرده و با مسلمانان جنگ و مقاتله کرده است.<sup>۳</sup>

صدیق حسن خان در جای دیگری رویکرد تکفیری نجدیان را این‌گونه بیان می‌کند که اگر کسی تحت لوای حکومت صاحب نجد قرار نگیرد و اوامر او را امتثال نکند از اسلام خارج می‌شود و کافر می‌گردد؛ و برای تأیید این کلام جریانی را از امیر حجاج یمن، به نام سید محمد بن حسین مراجل کبسی، نقل می‌کند که او به همراه جماعتی از حجاج به سمت حجاز عازم بودند که عده‌ای از وهابیان سر راه آنان قرار گرفتند و شروع به تفتیش عقایدشان کردند که ببینند آنها بر مذهب اسلام هستند یا نه، تا جواز برای ادای مناسک حج داشته باشند.<sup>۴</sup>

### سفک دماء مسلمانان

یکی دیگر از وجوه اختلاف بین جماعت اهل حدیث و وهابیت که صدیق حسن خان از مشایخ خود نقل می‌کند، به خاک و خون کشیدن انسان‌های بی‌گناه و معصوم به دست

۱. همو. هدایة السائل إلى أدلة المسائل، ص ۱۱۴؛ همو، أبجد العلوم، ص ۶۸۰.

۲. ندوی، مسعود، محمد بن عبد الوهاب مصلح مظلوم و مفتری علیه، ص ۲۰۴.

۳. قنوجی بخاری، صدیق حسن خان، أبجد العلوم، ص ۶۸۰.

۴. همو، التاج المکمل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، ص ۳۲۵.



وهایبان، بدون حجت و اقامه برهان بر آنان است.<sup>۱</sup> صدیق حسن خان در این باره می‌گوید:

از جمله خبرهایی که از صاحب نجد (عبدالعزیز بن سعود) به من رسیده اینکه او جان کسانی را که برای ادای نماز جماعت حاضر نمی‌شوند بر خود حلال دانسته است. این خبر اگر صحیح باشد، با قانون شرع سازگار نیست،<sup>۲</sup> همچنان که خبرهایی رسیده است که صاحب نجد خون کسانی را که به پیامبران، اولیای الهی، یا افرادی از این قبیل استغاثه جویند مباح شمرده است.<sup>۳</sup> این‌گونه اعمال از سوی آل سعود و وهابیان باعث شده است مردم حرمین شریفین وقتی نام صاحب نجد به میان می‌آید برافروخته شوند. چون صاحب نجد وهابی بلاهای بسیاری بر سر اهل حجاز آورده، به طوری که هر که از مکه معظمه و مدینه منوره باز می‌گردد عداوت محمد بن عبدالوهاب را هم با خود به ارمغان می‌آورد.<sup>۴</sup>

صدیق حسن خان در کتاب ترجمان وهابیت در این باره نظر اهل حدیث را تشریح می‌کند. وی معتقد است اهل حدیث در طول سیزده قرن حضور داشتند اما هیچ‌گاه جهاد اصطلاحی محمد بن عبدالوهاب را به راه نینداختند. جماعت اهل حدیث هیچ اعتقادی به فتنه، فساد، قتل و خون‌ریزی ندارند و در هیچ‌کدام از آثار آنان اثری از فساد و پیمان‌شکنی نخواهید دید، اما بر عکس درباره محمد بن عبدالوهاب، کتب اندیشمندان غربی در تاریخ مصر و غیر آن، که در بیروت و امثال آن منتشر شده، پر از فسادگری او است. صدیق حسن خان برای اینکه دیگران از احوالات ابن عبدالوهاب نجدی آگاه شوند بسیاری از جنایات محمد بن عبدالوهاب و پیروانش را در کتاب ترجمان وهابیت نقل می‌کند.<sup>۵</sup> مثلاً در فصل پنجم از کتابش، درباره ورود سعود بن عبدالعزیز بن محمد بن سعود در سال ۱۲۰۴ ه.ق. به مدینه منوره چنین می‌گوید:

۱. همو، هدایة السائل إلى أدلة المسائل، ص ۱۱۴؛ همو، أبجد العلوم، ص ۶۸۰.

۲. همو، التاج المکمل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، ص ۳۲۶.

۳. همان، ص ۳۲۶.

۴. همو، موائد العوائد من عیون الأخبار والفوائد، ص ۳۸.

۵. همو، ترجمان وهابیه، ص ۳۰.

سپس سعود بن عبدالعزیز وارد مدینه می‌شود و جزیه را بر اهل آنجا واجب می‌کند، ضریح مقدس نبوی ﷺ را تخلیه می‌کند و اموال باارزش آن را که به نقلی در حدود ۶۰ بار شتر بود غارت می‌کند و به درعیه می‌برد. همین عمل را درباره قبر شیخین نیز انجام دادند. آنان می‌خواستند قبه ضریح مقدس نبوی ﷺ را تخریب کنند که نشد. در آن سال دستور دادند کسی به غیر از وهابیان در بیت‌الله حج به جای نیاورد. نیز مردمی را که تحت حکومت عثمانی بودند مانع ورودشان به حرمین شدند که این مسئله باعث شد چند سالی حج قطع شود. حجاج شام و عجم هم از ترس ضرر رساندن وهابیان به آنان نتوانستند فرایض حجشان را کامل انجام دهند.<sup>۱</sup>

### جمع‌بندی

شاه‌ولی‌الله دهلوی اندیشه سلفی‌گری را در هندوستان پی‌ریزی کرد و در دوره‌های بعد شاگردان فکری‌اش آن را در مناطق هندوستان منتشر کردند. هم‌زمان با این حرکت در هندوستان، تحركات سلفی دیگری در نجد و یمن صورت پذیرفت که با سفر برخی از اهالی هندوستان به این مناطق، از اندیشه سلفی آن دیار نیز تأثیر پذیرفتند و آن را به هندوستان آوردند، که فعالیت‌های فکری و عملی این تحركات سلفی در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری در منطقه هندوستان بررسی شد.

۱. همان، ص ۵۲-۵۳؛ همو، التاج المکمل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، ص ۲۹۷.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آل الشيخ، عبد الرحمن بن عبد اللطيف، مشاهير علماء نجد وغيرهم، بی جا: دار اليمامة للبحث والترجمة والنشر، چاپ سوم، ۱۳۹۴ ق.
۳. آلوسی، نعمان بن محمود، جلاء العينين في محاكمة الأحمدين، بی جا: مطبعة المدني، ۱۴۰۱ ق.
۴. استادرد، لوترپ، حاضر العالم الإسلامي، تعليق و تحقيق: امير شكيب أرسلان، بی جا: دار الفكر للطباعة والنشر، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ ق.
۵. بخاری، محمد بن اسماعيل، صحيح البخاری، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، بی جا: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۶. حسنی، عبد الحی، الثقافة الإسلامية في الهند، دمشق: مطبوعات مجمع اللغة العربية، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۷. \_\_\_\_\_، الإعلام بمن في تاريخ الهند من الأعلام المسمى بـ (نزهة الخواطر و بهجة المسامع والنواظر)، بيروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۸. خولی، محمد عبد العزيز، تاريخ فنون الحديث النبوی، تحقيق: محمود الأرناؤوط و محمد بدر الدين الفهوجی، دمشق: دار ابن كثير، بی تا.
۹. خراشی، سليمان بن صالح، الرسائل المتبادلة بين صديق حسن خان و أحمد بن عيسى، رياض: دار التوحيد للنشر، چاپ اول، ۱۴۳۱ ق.
۱۰. دمشقی، محمد منیر، نموذج من الأعمال الخيرية في إدارة الطباعة المنيرية، رياض: مكتبة الإمام الشافعی، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. دهلوی، احمد بن عبد الرحيم، البلاغ المبين، شيش محل رود لاهور: المكتبة السلفية، بی تا.
۱۲. \_\_\_\_\_، الخیر الكثير، پريس بجنور: المجلس العلمی، ۱۳۵۲ ق.
۱۳. \_\_\_\_\_، حجة الله البالغة، تحقيق: سيد سابق، بيروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
۱۴. \_\_\_\_\_، مصفى شرح موطأ، دهلی: نشر فاروقی، بی تا.
۱۵. \_\_\_\_\_، التفهيمات الإلهية، هند: المجلس العلمی، ۱۳۵۵ ق.
۱۶. \_\_\_\_\_، عقد الجيد في أحكام الاجتهاد والتقليد، تحقيق: محب الدين الخطيب، قاهره: المطبعة السلفية، بی تا.
۱۷. \_\_\_\_\_، تحفة الموحدين، ترجمه: مولانا رحيم بخش دهلوی، شيش محل رود لاهور: المكتبة السلفية، بی تا.
۱۸. سمان، محمد بن عبد الله، دعوة محمد بن عبد الوهاب و أثرها في العالم الإسلامي، مدينه منوره: الجامعة الإسلامية.

١٩. شمس، محمد عزيز؛ عمران، على بن محمد، الجامع لسيرة شيخ الاسلام ابن تيمية، مكة: دار عالم الفوائد للنشر والتوزيع، چاپ دوم، ١٤٢٢ ق.
٢٠. عقاد، محمود، الإسلام في القرن العشرين حاضره ومستقبله، قاهره: نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، بی تا.
٢١. غمارى، احمد بن محمد بن صديق، على بن ابى طالب إمام العارفين أو البرهان الجلى فى تحقيق انتساب الصوفية إلى على، تحقيق: أحمد محمد مرسى، قاهره: مطبعة السعادة، چاپ اول، ١٣٨٩ ق.
٢٢. قنوجى بخارى، صديق حسن خان، الاذاعة لما كان وما يكون بين يدى الساعة، بيروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ١٤٢١ ق.
٢٣. \_\_\_\_\_، اتحاف النبلاء المتقين بإحياء مآثر الفقهاء المحدثين، كانبور: مطبعة نظامى، ١٢٨٨ ق.
٢٤. \_\_\_\_\_، التاج المكلل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، قطر: وزارة الأوقاف والشؤون الاسلامية، چاپ دوم، ١٤٢٨ ق.
٢٥. \_\_\_\_\_، أبجد العلوم، بی جا: دار ابن حزم، چاپ اول، ١٤٢٣ ق.
٢٦. \_\_\_\_\_، ترجمان وهابية، اكره: مطبعة مفيد عام، ١٣٠٠ ق.
٢٧. \_\_\_\_\_، موائد العوائد من عيون الأخبار والفوائد، بوپال: چاپخانه صديقى، ١٢٩٨ ق.
٢٨. \_\_\_\_\_، هداية السائل إلى أدلة المسائل، بوپال هند: مطبع شاه جهانى، ١٢٩٢ ق.
٢٩. كامنيز، ديويد، وهابيت و عربستان سعودى، ترجمه: مجتبى فاضلى، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، ١٣٩٣ ش.
٣٠. مصرى، جميل عبدالله محمد، حاضر العالم الاسلامى و قضايا المعاصرة، سعودى: كلية الدعوة و أصول الدين، چاپ اول، ١٤٠٦ ق.
٣١. مغراوى، محمد بن عبد الرحمن، المفسرون بين التأويل والإثبات فى آيات الصفات، بيروت: دار القرآن، چاپ اول، ١٤٢٠ ق.
٣٢. مقبول احمد، صلاح الدين؛ محمدى، عارف جاويد، أهل الحديث فى شبه القارة الهندية، بی جا: بی نا، بی تا.
٣٣. مقبول احمد، صلاح الدين، شيخ الاسلام ابن تيميه وأثرها على الحركات الإسلامية المعاصرة و موقف الخصوم منها، كويت: دار ابن الأثير، چاپ دوم، ١٤١٦ ق.
٣٤. ندوى، ابو الحسن، اذا هبت ریح الايمان، بی جا: مؤسسة الرسالة، ١٣٩٤ ق.
٣٥. ندوى، مسعود، تاريخ الدعوة الاسلامية فى الهند، بيروت: دار العربية، بی تا.
٣٦. \_\_\_\_\_، محمد بن عبد الوهاب مصلح مظلوم و مفتى عليه، رياض: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، بی تا.
٣٧. نعمانى، محمد منظور، دعايات مكثفة ضد الشيخ محمد بن عبد الوهاب، لكنهو: مكتبة الفرقان، ١٤٠٠ ق.